

علی اکبر دہخدا

چرند پرند دہخدا

به کوششِ ولی اللہ درودیان

فهرست

۹	پیشگفتار / ولی الله درودیان
۱۱	زندگینامه دهخدا / ولی الله درودیان
۳۵	سیاست در «چرند پرند» دهخدا / دکتر سهراب یزدانی
۸۷	شیوه و شگردهای دهخدا در نوشتن چرند پرند / ولی الله درودیان
۱۱۷	متن چرند پرند
۲۸۵	دو نمونه از طنز قدیم و جدید / فریدون تنکابنی
۳۳۷	واژه‌نامه
۳۶۹	نامنامه
۴۲۷	کتاب‌نامه
۴۳۱	نمایه

پیشگفتار

علی اکبر دهخدا (۱۲۵۷ - ۱۳۳۴ خورشیدی) با نوشتن سلسله مقاله‌های «چرند پرند» در روزنامه صوراسرافیل تهران (سی و دو شماره از هفدهم ربیع الآخر ۱۳۲۵ تا جمادی‌الاولی ۱۳۲۶) و سه شماره (از مُحَرَّم ۱۳۲۷ تا صفر ۱۳۲۷ هجری قمری) در ایوردُن سویس، در شمارِ پیشاهنگان ساده‌نویسی و پایه‌گذارِ طنز سیاسی در ادبِ جدیدِ ایران به شمار می‌رود. هنرِ اصلی دهخدا، وارد کردنِ «عاملِ لحن» در قصه‌نویسی پارسی است: پیش از دهخدا، هر فرد ایرانی به هر طبقه‌ای که تعلق داشت در قصه و نوشته‌ی روایی به همان زبانِ نویسنده قصه، سخن می‌گفت. اما دهخدا، در این سلسله مقاله‌ها کوشیده است به هر فرد، لحنِ خاص او را ببخشد و از این رو، در اثرِ وی هر فرد ایرانی به هر طبقه و قشری که تعلق داشته به زبانِ خاصِ خود سخن گفته است.

برای آشنایی بیشتر با ویژگی‌های طنز دهخدا، خواننده علاقه‌مند می‌تواند به مقاله‌های دکتر محمود عنایت، دکتر غلامحسین یوسفی، دکتر رضا براهنی، عمران صلاحی، یحیی آرین‌پور، ایرج پزشگزاد و... به کتاب‌های «دخوی نابغه»^۱؛ «دهخدا، مُرغ سحر در شبِ تار»^۲؛ «بازخوانی

۱. گل آقا، چ ۲، ۱۳۸۴.

۲. اختران، ۱۳۸۲.

۱۰ / چرند پرند

چرند پرند^۱ و «دهخدا، چراغی که خاموش شد»^۲ مراجعه کند.

از آقای حسین کریمی مدیر شایسته «نشر نیلوفر» و همکاران گرامی ایشان که این مجموعه را با زیبایی و نفاست کامل روانه بازار نشر کرده‌اند، سپاسگزار است.

ولی الله درودیان

کرج، بهار ۱۳۹۱

زندگینامه دهخدا

ولی الله درودیان

علی اکبر دهخدا، فرزند خان باباخان، حدود ۱۲۹۷ هجری قمری، برابر ۱۲۵۷ خورشیدی و مطابق ۱۸۷۹ میلادی در تهران به دنیا آمد. نه ساله بود که پدرش درگذشت و او با مراقبت و سرپرستی مادر خود به تحصیل پرداخت. زبان عربی و علوم دینی و معارف اسلامی را در محضر شیخ غلامحسین بروجردی آموخت و از محضر آیت الله حاج شیخ هادی نجم آبادی نیز بهره فراوان بُرد.

دهخدا، پس از پایان آموزش درس‌های قدیمی به مدرسه علوم سیاسی رفت. مدرسه علوم سیاسی به سال ۱۳۱۷ هجری قمری مطابق ۱۲۷۸ خورشیدی با فرمان مظفرالدین شاه و به کوشش میرزا حسن خان مشیرالدوله برای تربیت اعضای وزارت خارجه تأسیس گردید و طبق فرمان مظفرالدین شاه، فارغ التحصیلان آن مدرسه جزو اعضای وزارت خارجه محسوب می شدند. درس‌هایی که در این مدرسه تدریس می شد، عبارت بود از زبان فرانسوی، حقوق، تاریخ، فقه و جغرافیا. نخستین آزمون به سال ۱۳۲۱ ه ق انجام شد و هفت نفر دوره مدرسه را طی کردند و دیپلمه شدند. دهخدا حدود دو سال در مدرسه علوم سیاسی به تحصیل پرداخت. در همین ایام در ادبیات فارسی چندان پیشرفت کرده

بود که میرزا محمد حسین فروغی، مُعلّم ادبیات این مدرسه، گاه دهخدا را مأمور تدریس می فرمود. ^(۱) دهخدا، در شمار نخستین دیپلمه های مدرسه علوم سیاسی بود.

در سال ۱۳۰۴ خورشیدی، قسمت تجارت را به آن مدرسه افزودند. از ۱۳۱۳ خورشیدی، این مدرسه جزو دانشگاه شناخته شد و تصدیق آن معادل لیسانس تقویم گردید.

ریاست مدرسه علوم سیاسی را از بدو تأسیس تا انحلال آن، مرحومان میرزا حسن خان مشیرالدوله و میرزا حسین خان مؤتمن الملک، میرزا محمد حسین ذکاءالملک فروغی (پدر محمد علی فروغی)، حسین علا، دکتر ولی الله خان نصر و علی اکبر دهخدا به عهده داشتند. ^(۲) مدرسه علوم سیاسی بی تردید یکی از تأسیسات مُدرن تمدنی در ایران به شمار می رود که نقشی دوران ساز در ترویج اندیشه های مُدرن در تاریخ معاصر ایران داشته است. ^(۳)

دهخدا، پس از به پایان رساندن دوره مدرسه علوم سیاسی به خدمت وزارت امور خارجه درآمد و آن گاه با سمت منشی گری محمد ابراهیم خان معاون الدوله غفّاری، پسر فرخ خان امین الدوله کاشی، سفیر دولّ خمسّه بالکان به بوخارست رفت. ^(۴) دهخدا مدّت دو سال در اروپا و بیشتر در وین پایتخت اتریش اقامت کرد اما مأموریت خود را نیمه کاره رها کرد و به ایران بازگشت. در این باره حکایتی نقل کرده است که شنیدنی است:

یک روز صبح زود مرا از خواب بیدار کردند و گفتند فوراً لباس بپوش و بقچه حمام آقای سفیر (یا وزیر مختار؟) را به حمام ببر. و در برابر امتناع و اعتراضم گفتند این کار تاکنون به عهده فلان مستخدم سفارت مَحْوَل بوده و چون او رفته است، آقای سفیر امر فرموده اند که از این به بعد، این وظیفه را شما انجام بدهید. کشمکشی که میان من و رئیس مأموریت در این خصوص پیش آمد یکی از موجبات خاتمه مأموریت من است. ^(۵)

باری، دهخدا در این مدت کوتاه، زبان فرانسوی را تکمیل کرد و دانش‌های جدید را آموخت و بر ترقیات جهان و راز پیشرفت‌های علمی و هنری و گشاد و بست زندگی آزاد و بی‌پیرایه، دیده به هوشیاری گشود و با اندوخته‌های فراوان معنوی به ایران بازگشت.^(۶)

بازگشت دهخدا به ایران مصادف با آغاز جنبش مشروطیت بود. ابتدا، به مدت شش ماه در اداره شوسه خراسان که در مقاطعة حاج حسین آقا امین‌الضرب بود، با عنوان معاون و مترجم مسیو دوبروک، مهندس بلژیکی استخدام شد.

سید حسن تقی‌زاده می‌نویسد: اوایل سال ۱۳۲۵ [هق] مرحوم میرزا قاسم‌خان تبریزی (که بعدها به صوراسرافیل معروف شد) که در دستگاه درباری مظفرالدین شاه در جزو اداره امین حضرت بود، چون در حوزه مشروطیت طلبان درآمد بود، به خیال تأسیس یک روزنامه با سرمایه خود برآمد. مشارالیه که اینجانب او را از ایام صبی می‌شناختم و همدرس بودیم روزی پیش من آمد و اظهار میل به نشر روزنامه نموده با من مشورت کرد و گفت: یک جوانی هست که چیزنویس است ولی نمی‌دانم نویسندگی او تا چه اندازه است و می‌خواهم بدهم چیزی به طور نمونه بنویسد و به شما نشان بدهم و اگر پسندیدید خود او را پیش شما بیاورم تا ببینید (و گفت خیال دارم که اگر مطابق مطلوب شد ماهی چهل تومان به او بدهم که از کار فعلی خود صرف‌نظر نموده و به اداره روزنامه بیاید). من پس از دیدن نمونه تحریر، خیلی پسندیدم و میرزا قاسم‌خان را که به معیت مرحوم میرزا جهانگیرخان شیرازی، عازم نشر روزنامه بود به استخدام میرزا علی اکبرخان تشویق نمودم و بدین ترتیب، روزنامه صوراسرافیل به مدیریت و صاحب امتیازی مرحوم میرزا جهانگیرخان و مدیریت مشترک میرزا قاسم‌خان و منشی‌گری میرزا علی اکبرخان انتشار یافت. میرزا جهانگیرخان از مال دنیا چیزی نداشت و در مقابل، زحمت

راه‌انداختن و اداره روزنامه و گردانیدن تمام امور کار از جزیی و کلی به عهده او بود که پشتکار فوق‌العاده داشت.^(۷)

نخستین شماره هفته‌نامه صوراسرافیل، پنج‌شنبه هفدهم ربیع‌الآخر ۱۳۲۵ هجری قمری؛ ۲۴ دی ماه ۱۲۷۶ خورشیدی، ۳۰ ماه مه ۱۹۰۷ میلادی منتشر شد. در سرمقاله نخستین شماره، مقصود از انتشار روزنامه را تکمیل معنی مشروطیت و حمایت مجلس شورای ملی و معاونت روستائیان و ضعفا و فقرا و مظلومین نوشته‌اند.^(۸) از صوراسرافیل در فاصله چهارده ماه با تعطیل‌ها و توقیف‌ها که دید، جمعاً سی و دو شماره منتشر شد که تاریخ بازپسین شماره آن بیستم جمادی‌الاول ۱۳۲۶ هـ ق است. به تصریح خود دهخدا، وی در هر شماره روزنامه «دارای یک سرمقاله جدی در اول و یک مقاله فکاهی در آخر بود. همه آن‌ها از اول تأسیس روزنامه تا انحلال آن به قلم دهخداست. فقط سرمقاله اول یکی از شماره‌های آن به قلم سید حسن تقی‌زاده و هر دو مقاله شماره (۲۰) به قلم میرزا جهانگیرخان مرحوم است.»^(۹)

عنایت به زبان عوام، مرادف عنایت به تاریخ زندگی آن‌ها هم هست، چه در تجربه تجدد در غرب، چه در ایران، زبان عوام، زمانی به عرصه ادب و تاریخ راه یافت که زندگی عوام هم برای نخستین بار، موضوع تاریخ شمرده شد. زبان پُر تعقید و تکلف سنتی تاریخ، همزاد مفهومی نخبه‌گرا از تاریخ است که در آن تنها کار تاریخ، وصف حال و اعمال بزرگان است.^(۱۰)

آن زلزله‌ای که خانه را لرزاند، بی‌گمان، جنبش مشروطیت ایران بود که ایرانیان را از خواب سنگین و تاریک هزاره‌ها برانگیخت. آنان آسیمه سر، در پی یافتن هویتی نو و شناخت جهانی که نرم نرمک به تن داشتند.